

بررسی تطبیقی «ابومسلم‌نامه» ابوطاهر طرسوسی و «ابومسلم الخراسانی» جرجی زیدان

عسگر بابازاده اقدام*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۶

حسین تک‌تبار فیروزجائی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۲

چکیده

داستان‌پردازی و روایت درباره *ابومسلم خراسانی* و قیام وی همواره محل بحث ادیبان و مورخان و دیگر صاحب‌نظران بوده و هر کس به فراخور گرایش فکری و مسلک خویش درباره آن سخن‌سرایی کرده‌اند. در این میان دو تن از صاحب‌نظران ادب عربی و فارسی؛ *جرجی زیدان* و *ابوطاهر طرسوسی* با نگرشی خاص به مسأله *ابومسلم* و قیام وی پرداخته و مفاهیم متفاوت و گاه متناقضی از وی ارائه کرده‌اند. با توجه به جایگاه *ابومسلم خراسانی*، مقاله پیش رو بر آن است تا با روش تطبیقی، به مقایسه ساختاری و محتوایی داستان‌های «*ابومسلم خراسانی*» و «*ابومسلم‌نامه*» بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نشانه‌ای از تأثیر و تأثر میان این دو داستان وجود ندارد؛ شخصیت واقعی *ابومسلم* در هر دو اثر تا حدودی تحریف شده و *زیدان* هم در رعایت معیارهای شکلی و هم در زمینه محتوایی داستان‌ش، موفق‌تر از *طرسوسی* عمل کرده است.

کلیدواژه‌گان: ادبیات تطبیقی، *ابومسلم خراسانی*، مقایسه ساختاری، *جرجی زیدان*، *ابوطاهر طرسوسی*، عناصر داستانی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی خوی). Askar.babazadeh@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه قم. H.taktabar@yahoo.com

نویسنده مسئول: عسگر بابازاده اقدام

مقدمه

ابومسلم خراسانی نخستین شخصیت تاریخی ایران دوره اسلامی است که پس از براندازی امویان و حضور ایرانیان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، جایگاهی فرا ملی و اسطوره‌ای پیدا کرد. یاد و خاطره او اسباب متن‌پردازی و داستان‌سرایی در میان ادیبان و مورخان ایرانی و عربی گردیده و مفاهیم گوناگون و گاه متناقضی از این شخصیت برجسته ایرانی خلق گردیده است. داستان شهامت‌ها و اقدامات وی از زوایای گوناگون مورد بررسی واقع شده و هر کسی با خوانش خویش به بازگویی آن پرداخته است. *ابوطاهر طرسوسی* و *جرجی زیدان* نیز، در مورد این مبارز شجاع داستان سراییده‌اند که در این گفتار به بررسی تطبیقی این داستان‌ها خواهیم پرداخت. از آنجایی که ادبیات تطبیقی، تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی در ملت یا ملل دیگر است از این رهگذر می‌توان به حساسیت‌های بیجا و تعصب‌های کورکورانه پی برد، جریان‌های فکری و فرهنگی اصیل و بیگانه را از هم باز شناخت و به کشف تفاهم و دوستی میان ملت‌ها و وضعیت روابط فرهنگی میان آن‌ها پرداخت. مقاله حاضر در صدد است از رهگذر ادبیات تطبیقی و روش توصیفی-تحلیلی، به برجسته‌سازی و تبیین نکات و مسائل متناقض موجود در این دو داستان بپردازد و در راستای آن به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. تفاوت‌های ساختاری و شاکله‌ای این دو داستان در چیست؟

۲. از لحاظ محتوایی، این دو داستان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

بیان مسأله

«*ابومسلم الخراسانی*» اثر *جرجی زیدان* از دیدگاه صاحب‌نظران ادب عربی به عنوان رمان تاریخی مطرح است، چراکه وی از پیشگامان رمان تاریخی معاصر عربی بوده و آثار وی به مثابه دیگر رمان‌های ارزشمند تاریخی در ادب معاصر عربی است. اما حماسه «*ابومسلم خراسانی*» *ابوطاهر طرسوسی* به عنوان داستان عامیانه و سنتی دوره صفوی شهرت دارد و این بدان معنا نیست که داستان‌های سنتی فاقد عناصر داستانی از قبیل شخصیت پردازی، طرح، گفت‌وگو، صحنه و صحنه‌پردازی و... باشند. از این رو با احتساب

این اثر به عنوان داستان تاریخی نمونه به راحتی قابلیت مقایسه با اثر جرجی زیدان را دارد. بدین ترتیب، مقایسه دو اثر که یکی با الگوپذیری از رمان‌نویسی مدرن غربی، هرچند تقریباً ناموفق، و دیگری بدون الگوپذیری از داستان‌نویسی مدرن نگاشته شده ضرورت پیدا می‌کند.

ابومسلم‌نامه طرسوسی

ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی طرسوسی از نویسندگان قرن ششم هجری است که از زندگی، محل تولد و اقامت وی اطلاع دقیقی در دست نیست (سعادت، ۱۳۸۲: ۱/۱۷۶)؛ ولی با توجه به زبان نگارش او و نیز به موجب مضامین و محتوای آثار وی چون «داراب‌نامه» و «قهرمان‌نامه» که غالباً به اشخاص تاریخی و داستانی ایران باستان مربوط می‌شود، می‌توان گفت که وی در اصل ایرانی بوده است (ن.ک: طرسوسی، ۱۳۷۴: ۱۶). «ابومسلم‌نامه» طرسوسی، به ماجرای زندگی *ابومسلم‌خراسانی* و جنگ‌های طولانی وی با لشکر مروان، آخرین خلیفه اموی می‌پردازد. پاک‌سازی ایران زمین از لوٹ مروانیان - که همگی خارجی و شرابخوار و... نامیده می‌شوند - شهادت‌ها و دلاورمردی‌های ایرانیان و یاران *ابومسلم‌خراسانی* در مبارزه با دشمنان و در نهایت، کشته‌شدن نصر سیار و *ابومسلم* از ماجرای اصلی این داستان است. طرسوسی در وصف صحنه‌ها و شرح رویدادها و بیان عواطف و احساسات مهارت زیادی از خود نشان داده است. شیوه نویسندگی وی در «ابومسلم‌نامه» ساده و بی‌تکلف بوده و داستانش از جنبه‌های گوناگون اهمیت زیادی دارد.

ابومسلم‌الخراسانی جرجی زیدان

جرجی زیدان نویسنده و روزنامه‌نگار لبنانی که بیش‌تر شهرتش به داستان‌های تاریخی اوست، در میان نویسندگان از شهرت و جایگاه عمده‌ای برخوردار است. «ابومسلم‌الخراسانی» از داستان‌های تاریخی جرجی زیدان است که در سال ۱۹۰۴ به رشته تحریر درآمد (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۲۱؛ نجم، ۱۹۷۹: ۲۳۰) و ماجرای آن، قیام *ابومسلم* در اواخر حکومت اموی است. عاشق شدن دختر دهقان مرو به نام گلنار، مبارزه با ضحاک و نصر

سیار به عنوان ضد قهرمانان قدرتمند، معرفی / ابومسلم به عنوان فردی باهوش و سیاس، براندازی سلسله بنی‌امیه و بنیانگذاری حکومت عباسیان از مهم‌ترین ماجراهای این داستان است. داستان «ابومسلم الخراسانی» زیدان، طرحی ساده داشته و جنبه تعلیمی بر آن غلبه دارد. نویسنده وقایع دوران گذشته عرب‌ها را با عشقی مجازی در هم آمیخته و آن را با نثری ساده و با ایجاد کشمکش و هیجان در سرتاسر داستان روایت می‌کند.

پیشینه تحقیق

درباره / ابومسلم خراسانی و اعتقادات و خصوصیات وی تحقیقات زیادی صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «ابومسلم نامه، سرگذشت ابومسلم خراسانی»، نوشته محمد جعفر محبوب و «نظری بر ابومسلم نامه» اثر علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو اشاره کرد. مقاله «بررسی تطبیقی سیاه پوشان صنعتی زاده و ابومسلم الخراسانی جرجی زیدان» اثر عسگر بابا زاده / اقدم و محمود شکیب؛ مجله انجمن ایرانی زبان عربی، شماره ۲۰ پاییز ۹۰ نیز از پژوهش‌های صورت گرفته در این راستا است.

روش تحقیق

«ابومسلم نامه طرسوسی» که داستانی است حماسی، ملی و دینی که به ماجرای زندگی / ابومسلم خراسانی و جنگ‌های طولانی وی با لشکر مروان می‌پردازد و «ابومسلم الخراسانی» که دوازدهمین داستان تاریخی جرجی زیدان است، پیکره این تحقیق را شکل می‌دهد. مقاله حاضر در صدد است از رهگذر ادبیات تطبیقی و روش توصیفی-تحلیلی، و با مطالعه آثار مذکور در سطح فرم و محتوا، به برجسته‌سازی و تبیین نکات و مسائل متناقض موجود در آن‌ها بپردازد.

ضرورت تحقیق

این دو داستان نه تنها از لحاظ داستان‌پردازی و تحقیقات ادبی و لغوی، بلکه از لحاظ تاریخی و جامعه‌شناسی و آشنایی با گذشته، فرهنگ و آداب و رسوم جامعه و مردمان آن روز نیز اهمیت زیادی دارند. همچنین تفاوت‌ها و تناقضاتی میان این دو داستان به چشم

می‌خورد که با مقایسه آن‌ها می‌توان به تبیین برخی از ویژگی‌های مشترک و متفاوت آن دو در مورد *ابومسلم‌خراسانی* و قیام و ویژگی‌های شخصیتی وی پی‌برد و با تبیین مسائل متناقض موجود در این داستان‌ها به حقیقت دست یافت. همه این عوامل ضرورت انجام چنین پژوهشی را ایجاب می‌کند.

بحث

مقایسه ساختاری

هر داستانی به منزله موجود زنده‌ای است که دارای اعضا و جوارح و کارکردهای خاص خود می‌باشد و بدون آن قسمتی از آن پیکره کامل از انجام وظیفه خود باز خواهد ماند. موضوع محوری داستان می‌تواند عاشقانه، تاریخی و ... باشد. اعمال داستان توسط افراد متعدد به مرحله فعلیت درمی‌آید که از آن به شخصیت‌های داستان یاد می‌شود. این اعمال در زمان و مکان رخ می‌دهد و پرداختن به این امر، صحنه‌پردازی است. مکالمه‌های رد و بدل شده میان شخصیت‌ها گفت‌وگو نامیده می‌شود. به طور کلی طرح (پی‌رنگ) داستان که محوری‌ترین عنصر یک داستان است با گره افکنی، کشمکش و گره‌گشایی، فراز و فرود داستان را تشکیل می‌دهد. لذا در ابتدا عناصر این داستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

طرح (پی‌رنگ)

ساختار همان فرم داستان است و احتیاج به طرح و نقشه دارد که در انگلیسی به آن Plot گفته می‌شود (پروینی، ۱۳۸۱: ۵۰۳). طرح «نقل حوادث است با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول» (مورگان فورستر، ۱۳۵۲: ۱۱۲)؛ و در آن باید چرایی و چگونگی کیفی موجود باشد تا روابط بین حوادثی که از اشخاص داستان سر می‌زند به صورتی معقول و گاه پیچیده جلوه‌گر شود. در داستان قدیمی *ابوطاهر طرسوسی* طرح جایگاه والایی ندارد، اما این امر بدین معنی نیست که به کلی فاقد طرح باشد؛ زیرا داستان، بدون طرح تکوین نمی‌یابد و این عنصر به صورت ساده‌تر مطرح شده است. علت آن مبتنی بودن این اثر بر حوادث و اتفاقات و روی آوردن به امور خارق‌العاده است.

مسأله‌ای که سبب شده شبکه استدلالی این داستان سست شده و روابط علی و معلولی آن از نظم منطقی و معقولی برخوردار نباشد. در این اثر، کنش‌ها و واکنش‌های میان قهرمانان و ضد قهرمانان با کم‌ترین اتلاف زمان و انرژی به نفع قهرمانان به پایان می‌رسد و ضد قهرمانان از صحنه داستان حذف می‌شوند. ماجرای نبرد *ابومسلم*، *احمد زمجی*، *شاه طالبه* و ... نمونه‌هایی از این موارد است (ن.ک: طرسوسی، بی‌تا: ۳۰۱، ۲۸۶، ۱۷۱، ۱۷۰).

در نتیجه طرح‌های منطقی در این اثر بسیار کم است و یا به جرأت می‌توان گفت وجود ندارد؛ یعنی خواننده انگیزه و دلایل اعمال و رفتارها را نمی‌تواند بپذیرد. پی‌رنگ و طرح سست و غیر منطقی در این اثر فراوان است، بدین معنی که «خواننده در برابر چراهایی که از دنبال کردن داستان در ذهنش پدیدار می‌گردد، جواب مناسبی نمی‌یابد و نمی‌تواند با علل ناشی از عمل یا تفکر جواب دهد» (ن.ک: براهنی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

از این رو این مسأله مطرح می‌شود که آیا با وجود این عناصر می‌توان آن را داستان نامید یا نه؟ اما طرح اثر جرجی *زیدان* به عنوان رمان به معنای واقعی کلمه، مجموعه‌ای پیچیده از روابط علی و معلولی میان اجزای داستان و کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌هاست و ساختاری یکپارچه پدید آمده است که تمامی اجزای داستان را بر حول محوری واحد، یعنی حادثه اصلی و شخصیت‌های برتر، گرد آورده است. در ابتدای این داستان، پس از معرفی چند شخصیت اصلی، گره‌افکنی که یکی از اقسام طرح است پیدا می‌شود (زیدان، ۱۹۹۸م: ۳۲۰-۲۷) و با وجود شخصیت‌های محوری، شخصیتی دیگر به نام *ضحاک* پیدا می‌شود و کشمکش‌های داستان را خلق می‌کند و حالت هول و ولای داستان را به اوج می‌رساند. این همان عنصری است که حالت هیجان و کنجکاوی را در خواننده افزون کرده و وی را به دنبال کردن ادامه داستان سوق می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۵۸: ۷۵).

طرح‌های منطقی متوالی و فراوان در اثر *زیدان*، نکته برجسته طرح کلی آن است. بدین معنی که وقتی، تقابل‌ها و کشمکش‌های شخصیت‌ها به نقطه گره‌گشایی نزدیک می‌شود، نویسنده با تغییر چهره ابله به *ضحاک* و دوباره به صالح، گره‌گشایی را معلق نگه داشته و حس کنجکاوی و اضطراب و هیجان را با تصویر اعمال و دخالت‌های او در روابط

میان اشخاص داستانی بیش‌تر و بیش‌تر می‌کند. نکته مهم اینکه «از میان بیست و دو رمان تاریخی جرجی زیدان، اثر حاضر جزء معدود آثاری است که حالت تصادف در آن وجود ندارد. یعنی نویسنده بدون وجود دلیل منطقی و معقول به طرح داستان دست یازیده و حوادث را مهندسی می‌کند» (نجم، ۱۹۸۸: ۸۶).

با مقایسه کلی طرح در دو داستان یادشده می‌توان گفت که حوادث و کشمکش‌های داستان طرسوسی از فرط تکراری و حالت شبیه به هم بودن، به خواننده این اطمینان را می‌دهد که در هر صحنه‌ای قهرمان پیروز خواهد شد و ریشه آن را می‌توان در دو عامل زیر جست‌وجو کرد:

الف) تعصب و ملی‌گرایی: استیلای عرب‌زبانان بر ایرانیان و تحقیر آنان به ویژه در اواخر دوره امویان چنان بر غرور ملی ایرانیان سنگین و مشقت‌بار بود که با پیدا شدن شخصیت برجسته‌ای همچون *ابومسلم خراسانی* و قیام وی علیه اعراب و به نوعی سنت‌شکنی وی، ایرانیان را به یاد ایام پیش از اسلام انداخت و آن حس قدیمی را در آنان تازه ساخت؛ از این رو آنان دوست نداشتند که ذره‌ای از ضعف و نقص در اعمال و خصوصیت شخصیت‌های مبارز خویش ببینند یا دیگران در آنان ضعفی احساس نمایند. بدین ترتیب در جای جای این داستان، امویان و عرب‌زبانان با القاب و واژگانی همانند بیگانگان، اجنبی‌ها، شراب‌خوارها، حرامزاده‌ها و ... نام برده شده‌اند که همین امر بر نوع پیاده‌سازی کشمکش به عنوان عنصری مهم در طرح تأثیرگذار بوده است.

ب) علاقه به حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع): *ابوطاهر طرسوسی* در سراسر اثر خود آنجایی که صحنه نبرد میان قهرمانان و ضد قهرمانان به نقطه اوج خود رسیده و قهرمان به بن بست می‌رسد، با شفاعت اهل بیت (ع) و رسول الله (ص) با سرافرازی و کامیابی از صحنه نبرد خارج می‌شود که در بسیاری از موارد این مسأله به صورت خرق عادت جلوه‌گر شده است. این نوع پی‌رنگ، پی‌رنگ دینی و اعتقادی نام دارد که بر مبنای دید مذهبی پی‌ریزی شده است. حال آنکه در اثر جرجی زیدان، پی‌رنگ دارای گره‌افکنی منطقی و معقول، کشمکش هیجان‌زا و هول و ولا و گره‌گشایی مقبول زینت داده شده است و پی‌رنگ بیش‌تر تابع اصول و معیارهای طرح اصولی و روشمند است.

شخصیت‌پردازی

شخصیت‌های داستانی که اعمال و اتفاقات هر داستانی توسط آن‌ها رقم می‌خورد بنا به خواست نویسنده یا به صحنه داستان می‌گذارند و با شگردهای نویسنده، ویژگی‌های خود را برای خواننده نمایان می‌سازند (جزینی، ۱۳۸۶: ۴۷). از معیارهای مقبولیت شخصیت در داستان این است که از سه ویژگی عمده برخوردار باشند: ۱- ثبات قدم و استواری در رفتار و خلقیات؛ ۲- داشتن انگیزه معقول در اعمال و رفتار؛ ۳- پذیرفتنی بودن شخصیت‌ها و داشتن جلوه واقعی.

در داستان «ابومسلم نامه» طرسوسی حدود صد شخصیت منفی و مثبت وجود دارد که به جرأت می‌توان گفت حدود نود تن از آنان سیاهی لشکر به حساب می‌آیند؛ زیرا ملاک «شخصیت بودن» در داستان، توجه نویسنده به کیفیت روانی، اخلاقی و احساسی فرد و نشان دادن آن‌ها در رفتار و گفتار وی است (پارسا نسب، ۱۳۹۰: ۳۶۶)، که تعداد فراوانی از آن‌ها از این خصوصیات برخوردار نیستند. شخصیت‌های اصلی آن، *ابومسلم* و *نصر سیار* است که در مواقع گوناگونی، تماشاچی صحنه‌های نبردی هستند که در زمان بسیار مختصر، ظاهر و از صحنه‌های داستان محو می‌شوند. بسیاری از این شخصیت‌ها مقبولیت چندانی ندارند. به عنوان نمونه، *احمد زمجی* که با تفک مخصوص خود، با ارائه حرکات و شگردهای عجیب، تمامی دشمنان خود را از صحنه نبرد حذف می‌کند و وقتی که در تنگنا قرار می‌گیرد با شگرد آفرینی داستان‌نویس و آن هم به صورت باور نکردنی، جان سالم به در می‌برد (ن.ک: *ابومسلم نامه طرسوسی*، بی‌تا: ۲۰۰-۱۶۰).

از دیگر ویژگی‌های شخصیت‌های این داستان، قدرت خارق‌العاده و فوق بشری شخصیت‌های آن است که در صحنه‌های کشمکش با کم‌ترین زحمت، حریف را از میدان خارج می‌کنند. نویسنده در متن داستان به *یاوران ابومسلم* قدرت فوق‌العاده‌ای بخشیده و بارها برای نشان دادن قدرت *یاران ابومسلم* از جملاتی مانند «همچون خیار تر به دو نیم کرد»، «با ضربه‌ای فرق سر وی را تا ناف شکافت»، «سرش را از تنش بپرانید» و ... استفاده نموده است. هر چند که طرفداران *ابومسلم* غالباً دلاورمردان بودند، ولی ترسیم چنین توانایی و قدرتی برای یک انسان عادی، چندان برای خواننده مقبولیت ندارد (ن.ک: *طرسوسی*، بی‌تا: ۱۰۲-۸۸). این جنبه از شخصیت‌نمایی در داستان مذکور، معنای

تاریخی اسطوره را به یاد می‌آورد که همان روایت حماسی است. در این نوع اسطوره‌نمایی، نویسنده بدون زحمت، توقعات انسان دنیاجو را برآورده می‌سازد که در اساطیر، برگی از تاریخ ملی خود را تشخیص و تمییز می‌داد و بیش از آن چیزی نمی‌خواست و به همین بسنده می‌کرد (واحد دوست، ۱۳۸۹: ۷۶). به عبارت صریح‌تر، ارائه تمایل ملی‌گرایی و نشان دادن تاریخ درخشان گذشته، ابوطاهر طرسوسی را به انتخاب چنین شخصیت‌پردازی‌ای در داستان خویش سوق داده است. از انواع مختلف شخصیت در داستان، کاربست شخصیت اصلی، فرعی، ایستا و پویا است. شخصیت‌های اصلی داستان «ابومسلم» طرسوسی، ابومسلم و نصر سیار، و از شخصیت فرعی آن، احمد زمجی، بی بی سستی تکلباز، خواجه سلیمان کثیر، ماهان بن ماهیار و ... هستند. به طور کلی همه شخصیت‌های داستان یادشده شخصیت‌هایی ایستا هستند؛ «یعنی افرادی که ابعاد شخصیتی‌شان در آغاز و انجام داستان ثابت مانده و تحت تأثیر حوادث و وقایع قرار نمی‌گیرد و تغییر نمی‌کند» (نجم، ۱۹۷۹: ۱۰۳). در داستانش هیچ شخصیت پویایی که در خلال حوادث داستان تحت تأثیر شرایط مختلف و برخورد با دیگران دچار تغییر و تحول گردد، دیده نمی‌شود. یکی از عوامل مهم موفقیت در شخصیت‌پردازی، استفاده از شخصیت‌های پویا در داستان است؛ یعنی افرادی که اعمال و حالات روانی‌شان در روند داستان تغییر می‌یابد؛ چراکه این تغییر، تغییر در حوادث و ماجراهای داستان را سبب می‌شود و خواننده از سرانجام و نتیجه طرح داستان بی اطلاع مانده، ناگزیر است جهت اطلاع از نتیجه داستان، آن‌ها را تا انتها ادامه دهد.

حنا الفاخوری در مورد شخصیت‌پردازی در داستان‌های تاریخی *ابومسلم* می‌گوید: «جرجی زیدان توجه کافی به شخصیت‌ها نداشته است، به طوری که احساس نمی‌کنیم آن‌ها موجوداتی زنده‌اند؛ بلکه همانند عروسک‌هایی هستند که نویسنده هرطور خواسته آن‌ها را به حرکت درآورده است» (فاخوری، ۱۴۲۴: ۱۹۳). هرچند که این نظر تا حدود زیادی پذیرفتنی است، اما به جرأت می‌توان گفت زیدان در داستان خویش، شگرد زیبایی در شخصیت‌پردازی به کار برده که - حداقل در این داستان - ضعف شخصیت‌پردازی او را کم‌رنگ‌تر نشان می‌دهد. نمونه آن، جاسازی شخصیت فردی مجهول الهویه است که نویسنده در ابتدا او را ابله نامیده (زیدان، ۱۹۹۸: ۳۵). سپس

تغییر حالت داده و به «ضحاک» (همان: ۸۱) تبدیل شده و در نهایت به صالح (همان: ۱۳) تغییر نام یافته است. توضیح اینکه این فرد در ابتدای داستان یکی از دستیاران و همراهان ابومسلم بود که با تغییر شرایط زمانی و مکانی داستان با تبدیل چهره و وضع ظاهری، خود را ضحاک می نامد و عامل ایجاد بسیاری از گره های داستان می شود و بحران های حادی میان ابومسلم و گلنار، و میان ابومسلم و دشمنان به وجود می آورد تا از رهگذر این بحران ها به هدف خود برسد؛ و سرانجام پس از آنکه این بحران ها به پایان نزدیک می شود، دوباره با تغییر قیافه و رفتار، خود را صالح می نامد و اهدافش را پی می گیرد. لذا این شخصیت، تمام ظاهر و باطن داستان زید/ن را تحت تأثیر قرارداده است؛ به طوری که خواننده با مشاهده اعمال و رفتار این فرد، دچار ترس و هراس می شود؛ خصوصیتی که در داستان «ابومسلم نامه» طرسوسی مشاهده نمی گردد.

گفت و گو

گفت و گو پی رنگ را گسترش داده و درونمایه را به نمایش می گذارد و شخصیت ها را معرفی و عمل داستانی را به پیش می برد (همان: ۴۶۵). نکته مهم در گفت و گو این است که باید ویژگی هایی از قبیل صدای دیدنی، انطباق با واقعیت و وضعیت، دادوستد اطلاعات و درون کاوی را داشته باشد (بابازاده اقدم و شکیب، ۱۳۹۰: ۹۸).

در «ابومسلم نامه» طرسوسی گفت و گوها چندان جنبه اطلاعاتی و آگاهی بخشی ندارند. غالب گفت و گوها میان اشخاص داستان، تکراری و دارای موضوع ثابت و هدف واحد می باشد؛ بدین صورت که غالب مکالمات میان اشخاص مثبت و منفی، سخن از نحوه هموردی و هدف آن، یعنی مساعدت ابومسلم و یا نصر سیار است. توضیح اینکه، افراد در سخنان خود قدرت مادی و معنوی خویش را با توصیف ویژگی هایشان عرضه می کنند: «اما چون محتاج در بارگاه قرار گرفت گفت کیست که امشب طلایه را نگهدارد؟ حفرة الانف اعرابی بر پای خاست و گفت من می روم ... پس محتاج بر وی آفرین کرد ... بعد از آن حفرة الانف گفت یا امیر من پیش می روم و می گویم که ابومسلم آمد ... امیر گفت مردانه باش ...» (طرسوسی، بی تا: ۲۶۹). اما گفت و گوهای داستان زید/ن را می توان به جرأت مقداری توانمندتر به حساب آورد. آنگاه که افراد با هم سخن

می‌گویند، سخنانشان قابلیت تجسم بیش‌تری دارد. این امر آنگاه بیش‌تر خود را نشان می‌دهد که /بومسلم، از هویت حقیقی ضحاک آگاه می‌گردد. از این رو لحن کلام خویش را تغییر می‌دهد؛ این امر بدان علت است که وی در صحنه کشمکش با خطری جدی مواجه است. لذا مرتفع ساختن این خطر جدی، مستلزم شناخت واقعی و تبادل اطلاعات کافی و لازم است. مانند: «قال ابراهیم: قد ارسلتها الی خوارزم تنفیذا لأمرک، وأظنها الآن فی عالم الأموات! قال (ابومسلم): اخشی أن تكون اخطأت ونسیت الحروری الذی کان یحسب أنه نجح فی خداعنا علیه لعنة الله، بقی أن أعهد الیک بأمر یمینی ولک منه نفع کبیر واجر کثیر» (زیدان، ۱۹۹۸: ۱۲۶).

صحنه و صحنه پردازی

اگر مجموع عواملی چون تعیین مکان، زمان، کار و پیشه و خصوصیات روحی و اخلاقی اشخاص داستان را سازنده صحنه داستان - که یکی از عناصر مهم داستان است - بدانیم، این عنصر گاه و بیگاه در اثر طرسوسی دیده می‌شود. به عنوان نمونه، او گاه به کار و پیشه بعضی شخصیت‌ها اشاره می‌کند: سید آشپز، محتاج کله‌پز، ابوالقاسم آبگینه‌گر، ابوالخیر لالایی، اسحاق کنده‌شکن، ابوطاهر صیقل‌گر، خردک آهنگر و ابوعلی خراط (طرسوسی، بی تا: ۳۳-۴۸)؛ اما عنصر زمان و مکان این داستان اهمیتی ندارد؛ به طوری که نمی‌توان زمان و مکان دقیق وقوع حوادث را مشخص کرد. برخی از شهرها یا کشورها فرضی هستند و برخی حقیقی، اما آنچنان این دو مقوله در هم می‌آمیزد که خواننده متوجه نمی‌شود. آن نام‌های جغرافیایی حقیقی را هم، راوی قصه به درستی نمی‌شناسد و آن نام‌ها، اسم هر مکانی باشد چندان در اصل قضیه تأثیر ندارد؛ زیرا همه شهرها خصوصیات همانند دارند (فرزاد، ۱۳۷۶: ۱۰۷؛ احمد سلطانی و ارشد، ۱۳۹۲: ۱۵)؛ مانند: «آورده‌اند که در شهر سالف و اعوام ماضی سه کس بودند با هم چیزی پیدا می‌کردند و گرد می‌کردند...» (طرسوسی، بی تا: ۵۰۱).

نکته قابل تامل در نادیده گرفته شدن زمان به عنوان یکی از عناصر مهم صحنه‌پردازی در اثر مذکور اشاره به اتحاد شاه غور و شاه خوارزم با سپاه /بومسلم است. حال آنکه فاصله زمانی پانصدساله میان طرفین وجود دارد و این با واقعیت تاریخی

همخوان نیست. بنابراین می‌توان گفت زمان و مکان در داستان *طرسوسی جنبه* فرا تاریخی به خود گرفته و به قول *میرچا الیاده* حالت اثیری و ژله‌ای یافته است (کرمی‌پور و خالقیان، ۱۳۹۳: ۴۴۸)؛ اما صحنه‌پردازی و توصیف در اثر *جرجی زیدان* به گونه‌ای دیگر است. غالب شخصیت‌ها به‌جز چند مورد از قبیل دهقان مرو و گلنار واقعی‌اند (المحص، ۲۰۰۴: ۱۹۱). حوادث داستان همگی در اماکن مشهور و متعارف از قبیل سرزمین ایران، خراسان و ماوراءالنهر آغاز می‌شوند (زیدان، ۱۹۹۸: ۱۵). پس به صورت رسمی این حوادث در مرو با مراجعه *بومسلم* به منزل دهقان آن شهر رخ می‌دهد و اندکی در کرمان و طوس و نیشابور که صحنه نبردهای *بومسلم* و نصر سیار و علی کرمانی و ... است. محدوده زمانی حوادث داستان از اوایل قرن دوم هجری آغاز می‌شود که در آن نویسنده، اشاره‌ای اجمالی به اوضاع تاریخی، سیاسی و فرهنگی سرزمین‌های تحت حاکمیت امویان دارد (ن.ک: زیدان، ۱۵-۲۲)؛ لذا در سرتاسر اثر مذکور هیچ ناهنجاری از زمان نامتعارف و مکان مجهول مشاهده نمی‌شود. مسأله دقت در زمان و مکان در داستان‌های *جرجی زیدان*، امری متعهدانه است. علت آن احاطه علمی *زیدان* به تاریخ و جغرافیا است که در این دو عرصه قلم‌فرسایی کرده است (القاعد، ۲۰۰۹: ۲۴). توصیف‌های دقیق و تصویرسازی زیبا، تقویت‌کننده و مکمل عنصر صحنه‌پردازی در اثر *زیدان* است؛ به گونه‌ای که خواننده با مطالعه این توصیفات، گویی تابلویی مقابل دیدگان خود دارد: «و كان الدهقان متصدراً القاعة على وسادة من الحرير، وعليه قباء من الديباج الأحمر، وعلى رأسه قلنسوة من الجلد الملون تغطيها عمامة صغيرة من نسيج الكشمير يغلب فيها اللون الأبيض... وكان كبير الوجه جاحظ العينين ضخم الأنف أشقر الشعر وقد خالطه الشيب قليلا فيحسبه الناظر اليه في الخمسين من عمره وهو فوق الستين» (همان: ۱۶).

مقایسه مضامین مشترک دو اثر

زبان و مضمون

زبان داستان *طرسوسی* به لحاظ بافت کلامی، ساده و روان و عامیانه است؛ البته منحنی این زبان گهگاه فراز و فرودهایی نیز دارد. جمله‌های آن اغلب ساده و کوتاه‌اند و

همه فهم و گاه مبهم و اندکی پیچیده: «اما خردک آهنگر چون به خانه خزیمه بن عاصم رسید هرچند که تفحص و تجسس نمود در هیچ جای آن ندید که بر آن جا صفره تواند بریدن که راه گذار بود... خردک در زمان کمند را از فتراک برگشود...» (طرسوسی، بی‌تا: ۸۸). به نظر می‌رسد این نوع واژه‌ها و جملات، ناهمگونی زبان اثر و بافت روایی را بیش‌تر کرده است؛ چراکه به سبب حماسی بودن اثر، جای آن بود که توصیف‌ها و عبارت‌های سلیس بیش‌تر به کار رود.

تحت تأثیر محتوای داستان و شخصیت اسطوره‌ای و حماسی / ابومسلم، اغراق زیادی در اثر مذکور به چشم می‌خورد. این اغراق‌ها، بیش‌تر در مورد اشخاصی همانند / ابومسلم و طرفداران او ساخته و پرداخته شده است و به جرأت می‌توان گفت طرسوسی آن‌ها را تا حد موجوداتی فوق بشری بالا می‌برد؛ بدین صورت که یاران / ابومسلم چنان قدرتی دارند که در یک صحنه نبرد تا بیست، پنجاه و هفتاد خارجی را می‌کشند.

مثلاً در مورد / احمد زمجی: «وی مهره تفک در چشم آن خارجی زد که در کاسه سر او جای کرد، احمد زمجی نعره زد و گفت: زود باشید که روزگار می‌گذرد. پای آن خارجی را گرفت و کشید تا کنار آن چاه برد و ... ایشان را بکشت تا آن که هفتاد مبارز را کشت...» (طرسوسی، بی‌تا: ۱۹۸؛ به نقل از احمد سلطانی و ارشد، ۱۳۹۲: ۱۰)؛ ولی سبک نوشتاری زیدان / اندکی با سبک طرسوسی متفاوت است.

اصلی‌ترین ویژگی نوشتاری زیدان را می‌توان در شفافیت و سهولت زبان داستان‌های وی دانست. او از شیوه‌ای استفاده کرد که برای همگان قابل فهم بوده و از زبان نویسندگان نثر فنی یا شعر منثور استفاده ننموده است (زیدان، ۱۹۹۸: ۱۳). همچنین داستان او خالی از صنایع بدیعی و آرایش‌های کلامی است.

«زیدان در داستان‌های خود از عناصر سبکی خطبه‌ها و اشعار و وصایای ادب عربی که متأثر از متون دینی و حکمی هستند بهره گرفته است» (القاعود، ۲۰۰۹: ۳۷) و در جای جای داستان ضرب‌المثل‌های عربی و به ویژه آیات قرآنی و روایی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد همین امر سبب شیوایی و روانی زبان داستان‌های او و به خصوص داستان «ابومسلم الخراسانی» گردیده است.

مشارکت سیاسی زنان

مشارکت سیاسی، حضور در عرصه‌های مدیریتی و حکومتی و یا دخالت در تعیین حاکم و دفاع و پشتیبانی از گروه یا طیف خاصی می‌باشد. این مشارکت و حضور در صحنه‌های داستان در هر دو اثر به وضوح قابل لمس است. در اثر طرسوسی عده زیادی از زنان همچون مجلس‌افروز سمرقندی، سمیه عنبرفروش، میمونه، گلستونه، روح‌افزار و رابعه مشغول فعالیت‌اند. در موارد فراوانی آنان نه تنها دست کمی از مردان ندارند، بلکه در برخی مواقع مردان را نیز رهبری می‌کنند؛ مانند مأموریت‌هایی که بی‌بی‌ستی تکلباز، بزرگ‌ترین زن عیار «ابومسلم نامه» و ملقب به مادر عیاران و مردان انجام می‌دهد (جعفری قنواتی، ۱۳۸۵: ۴۶). وی در صحنه‌های فراوانی/ابومسلم و گلستون و روح‌افزار و بسیاری دیگر از مبارزان را از زندان نصر سیار نجات می‌دهد و یا به یاری آنان می‌شتابد.

جرجی زیدان نیز از پرداختن به این جنبه غافل نبوده است. به طور کلی از حدود بیست و دو رمان تاریخی وی، نه اثر دارای عنوان زنانه است. این عنوان‌ها، اعتقاد نویسنده به زن به عنوان عضوی مؤثر در جامعه است که می‌تواند همانند مردان در امور مختلف تأثیرگذار باشد. در دیگر آثار وی نیز، زن، یا شخصیت اصلی است و یا فردی است که در کنار شخصیت اصلی نقش آفرینی می‌کند.

در این اثر، گننار با آنکه شخصیت فرعی و کمکی است، اما اعمال و رفتارهایی که از خود بروز می‌دهد حوادث بسیاری را خلق می‌کند. اما در مقایسه با اثر طرسوسی، تأثیرگذاری و تعداد شخصیت‌های زنان در اثر وی، نمود کم‌تری دارد.

گرایش مذهبی ابومسلم

آنچه از روایت «ابومسلم» در دست است، به وضوح نقش و تأثیر راویان و نسخه نویسان را در شرح جزئیات و گرایش‌های دینی قهرمان داستان و برخی از یارانش نشان می‌دهد. شخصیت/ابومسلم در میان نسخه‌های متعدد، همواره در نوسان بوده است. «او گاه در چهره پارسایی مقدس جلوه‌گر می‌شود، گاه جدیت پهلوانی حماسی چون رستم را تداعی می‌کند، زمانی خصلت ایثارگر مجاهد صدر اسلام در او برجسته‌تر است،

زمانی مذهب و گرایش او نامعلوم و زمانی یک شیعه متعصب و وفادار به اهل بیت(ع) است که در خیلی از مواقع، دستورات و رهبری‌هایی را از ایشان می‌گیرد(اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱/۹۶).

در روایت طرسوسی/ابومسلم شیعه متعصب و وفادار به امام محمد باقر(ع) معرفی شده که مراتب سرسپردگی خود به ائمه را به طور مستمر اعلام می‌کند(همان: ۴۳). به عنوان مثال در قسمتی از داستان، وقتی ابومسلم برای دیدار امام محمد باقر(ع) به مدینه می‌رود: «امیر به مدینه آمد، امام را ندید در باغ مدینه زاری بسیار کرد چون بعد از زاری شروع به نماز کرد بعد از نماز شخصی آمده گفت که به مکه برو که مطلب شما آنجا حاصل خواهد شد این را گفت و از نظر غائب شد»(طرسوسی، بی‌تا: ۲۳۸).

علاوه بر آن، ابومسلم و گاه یاران وی، اغلب حضرت فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) و یا پیامبر اکرم(ص) را در خواب دیده و واقعیت‌ها و پیش‌گویی‌هایی را از ایشان دریافت می‌کنند.

اما در داستان جرجی زیدان اثری از گرایش مذهبی ابومسلم مشاهده نمی‌گردد. مهم‌ترین خصوصیت اخلاقی و فکری که نویسنده از قهرمان داستان عرضه کرده، صداقت و جدیت و ذکاوت در تصمیم و قیام است. ابومسلم به سبب ظلم‌های فراوان امویان و خروج آنان از دین، بدین نتیجه رسیده که هر کس طرفدار امویان باشد شایسته مرگ است و نباید زنده بماند.

او دستور قیام را از ابراهیم/امام که در مقدمه کتاب «صاحب‌الدعوة العباسیة»(زیدان، ۱۹۹۸: مقدمه) نامیده شده است، گرفته و قیام را آغاز می‌کند. شعار قیام او که از ابراهیم/امام گرفته «هر اموی و هر که در او شک گرایش به امویان داشتی نابود کن» از ابومسلم، فردی سرسخت و خونریز به نمایش می‌گذارد. ابومسلم نزدیک‌ترین دوستانش را که دهقان مرو، سلیمان بن کثیر و ... بودند، به علت سوء ظنی که بدان‌ها پیدا کرد، به قتل رسانید.

آنچه از چهره وی در این اثر ترسیم شده این است که وی به هنگام اعلان قیام که در حضور یاران و طرفدارانش بوده، مسلمان بودن او بوده است. «ان للذین یقاتلون بأنهم ظلموا وأن الله علی نصرهم لقدیر»(ن.ک: زیدان، ۱۹۹۸: ۷۰-۷۲).

عقلانیت و خرق عادت

کتاب «حماسه ابومسلم‌نامه» طرسوسی یکی از داستان‌های عامیانه دوره صفوی است که در آن مجاهدت و سرگذشت ابومسلم در هاله‌ای از افسانه‌های قهرمانی قرار گرفته و به صورت پدیده‌ای نیمه افسانه‌ای درآمدی است. نویسنده داستان مذکور به سبب نیروی تخیل و داستان پردازی قوی خویش و برای اینکه حس وطن‌پرستی و مقاومت در برابر بیداد بیگانگان در نهاد فرزندان این مرز و بوم با وجودشان عجین شود، درباره زندگی و اعمال این سردار بزرگ داستان‌سرایایی کرده است (طرسوسی، بی‌تا: مقدمه). این حس نویسنده، وی را بر آن داشت که از ابراز شگفت‌آوری و جاسازی خرق عادت جهت یاری شخصیت‌های مورد پسند خویش بهره گیرد و به اموری پناه ببرد «که با روند طبیعی و معقول بشری چندان همخوان نبوده و با محسوسات حسی و موازین عینی تناسبی نداشته باشد» (احمد سلطانی و ارشد، ۱۳۹۲: ۱۰). به عنوان نمونه می‌توان حرف زدن حیوانات و اشیاء با انسان را ذکر نمود. این خاصیت به وفور در داستان طرسوسی وجود دارد و همین امر ماهیت این اثر را در حد یک داستان عامیانه قرار داده است.

عبدالحسین فرزاد معتقد است: «مهم‌ترین ویژگی قصه‌های قدیم وجود حوادث خارق‌العاده و اغراق‌های بسیار است» (ن.ک: فرزاد، ۱۳۷۶: ۱۰۸). شواهدی از این خرق عادت در داستان طرسوسی آنجاست که وقتی ابومسلم و یارانش در بیابان دچار تشنگی می‌شوند، ناگهان آهویی از بیابان ظاهر، و با اشاره دست، آن‌ها را به سمت چشمه آب راهنمایی می‌کند و از خطر مرگ نجاتشان می‌دهد (طرسوسی، بی‌تا: ۱۶۸). علاوه بر آن، اشاره به ابر و سوار شدن بر آن و رفتن به یک جزیره و دیدن درخت پژمرده و سؤال از درخت در مورد علت پژمردگی؛ مشاهده صحنه مرغ‌های عظیم پرکنده و ... نمونه‌هایی از این خرق عادت‌اند که چندان با موازین عقلی سازگاری ندارند.

اما در داستان جرجی زیدان نشانه‌ای از خرق عادت وجود ندارد. روند طرح‌پردازی این داستان عقلانی و منطقی بوده و گفت‌وگوها و اعمال شخصیت‌ها تا حدود زیادی مقبول و پذیرفتنی است. بیش‌تر کنش‌ها و واکنش‌ها، گفتاری است که حالت اضطراب و هول و ولای بالایی را در داستان ایجاد کرده است. ذکاوت و شجاعتی که ابومسلم دارد و بعضی

از اقداماتی که *ابراهیم خازن*، دستیار وی در برابر *ضحاک* و *گلنار* انجام می‌دهد، غالب صحنه‌های هراس‌انگیز را در این داستان به وجود آورده است. به جرأت می‌توان مدعی شد ظرافت و جذابیت این مسأله در داستان *زیدان* به حدی است که نویسنده را از پناه بردن به خرق عادت - که گاه نویسنده برای افزایش جذابیت اثر خود به کار می‌برد - بی‌نیاز کرده است؛ هرچند دیگر آثار *زیدان* از پدیده خرق عادت و یا استفاده از اتفاق ناگهانی که *محمد یوسف نجم* آن را «صدفه» نامیده است، خالی نیست. به اعتقاد *نجم*، «زیدان این شگرد را به ویژه در داستان‌های اولیه خویش به کار گرفته تا صحنه‌های داستان را به هم مرتبط ساخته و گره‌گشایی کند و این پدیده جنبه ابداع و خلاقیت را در این داستان‌ها ضعیف ساخته است» (*نجم*، ۱۹۷۹: ۲۰۶). از جمله داستان‌هایی که پدیده «صدفه» در آن واقعاً اندک است می‌توان به «ابومسلم خراسانی»، «فتاة القيروان» و «شجرة الدر والانقلاب العثماني» اشاره کرد (همان: ۲۰۶) که به نظر نگارندگان این سطور هیچ نمونه‌ای از پدیده «صدفه» در این داستان یافت نمی‌شود.

نتیجه بحث

ابومسلم خراسانی به عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخی، منشأ توجه نویسندگان و داستان‌نویسان بسیاری بوده که هر کدام به فراخور اطلاعات و گرایش‌های مذهبی و فکری خویش به مسأله قیام و اقدامات وی پرداخته و خوانش‌های متعدد و گاه متفاوتی از شخصیت، تفکرات، گرایش‌های مذهبی و سیاسی وی داشته‌اند. از رهگذر مقایسه دو اثر فارسی و عربی در حوزه داستان‌نویسی که به مسأله *ابومسلم خراسانی* و قیام وی پرداخته‌اند، نتایج ذیل به دست آمده است:

با ملاحظه ویژگی‌های داستان‌های سنتی و عامیانه به طور کلی می‌توان عناصر داستان‌نویسی را در اثر *ابوطاهر طرسوسی* مشاهده نمود؛ لذا با وجود اینکه اثر وی یک رمان به معنای واقعی نیست، ولی می‌توان آن را با رمان *جرجی زیدان* که طبق معیارهای مدرن رمان‌نویسی نگاشته شده است مقایسه نمود. «حماسه *ابومسلم خراسانی*» از لحاظ طرح داستان‌نویسی، شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو و ... ضعف دارد، اما «*ابومسلم الخراسانی*» در کاربست این عناصر روشمند و علمی‌تر عمل نموده است.

از لحاظ محتوایی، مسأله گرایش‌های مذهبی شخصیت اصلی دو داستان یعنی *ابومسلم* یکی از مهم‌ترین نکات است که *طرسوسی* وی را، شیعی مذهب، معتقد و محب اهل بیت (ع) معرفی نموده است؛ اما در اثر *جرجی زیدان*، شواهدی از گرایش‌های مذهبی *ابومسلم* یافت نمی‌شود و نویسنده او را صرفاً مبارزی برجسته و دارای هوش و ذکاوت فراوان نشان داده است.

در هر دو اثر، مسأله زنان و حضور آنان در صحنه‌های اجتماعی مورد عنایت نویسندگان بوده است و زنان قدم به قدم، همپای مردان، صحنه‌های داستان را به پیش می‌برند. در این میان هرچند که شخصیت‌های زن در «*ابومسلم* نامه» *طرسوسی* بیش از اثر *زیدان* است، اما در مقایسه با دیگر آثار *جرجی زیدان* در این امر، می‌توان گفت که دو نویسنده به نقش و تأثیرگذاری زن در تاریخ (اسلام) آگاه بوده‌اند.

از دیگر نکات قابل مقایسه در محتوای دو اثر، مسأله عقلانیت و خردگرایی در اعمال و رفتار *ابومسلم* و دیگر شخصیت‌های برجسته است که در اثر *ابوطاهر طرسوسی*، بیش‌تر سحر و جادو و خرق عادت رواج دارد، اما در اثر *جرجی زیدان* بیش‌تر عقلانیت و منطق و استدلال قابل قبول در اعمال و رفتار شخصیت‌ها به ویژه *ابومسلم* پیداست.

کتابنامه

- براهنی، رضا. ۱۳۶۸ش، *قصه‌نویسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات البرز.
- پارسا نسب، محمد. ۱۳۸۹ش، *نظریه و نقد رمان تاریخی فارسی*، تهران: نشر چشمه.
- زیدان، جرجی. ۱۹۹۸م، *ابومسلم خراسانی*، بیروت: دار صادر.
- الصاوی، محمود. ۲۰۰۰م، *کتابات جرجی زیدان*، بیروت: دار الهدایه للنشر.
- طرسوسی، ابوطاهر. بی تا، *حماسه ابومسلم خراسانی*، به کوشش اقبال یغمایی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- الفاخوری، حنا. ۱۴۲۴ق، *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*، ج ۲، قم: منشورات ذوی القربی.
- فرزاد، عبدالحسین. ۱۳۷۶ش، *درباره نقد ادبی*، تهران: نشر قطره.
- القاعد، حلمی محمد. ۲۰۰۹م، *الروایة التاریخية فی أدبنا الحدیث*، دسوق: دار العلم والایمان للنشر.
- محبوب، محمدجعفر. ۱۳۸۲ش، *ادبیات عامیانه ایران*، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه.
- المحص، محمدجواد. ۲۰۰۴م، *روایات جرجی زیدان*، اسکندریه: مكتبة النهضة المصرية.
- مورگان فورستر، ادوارد. ۱۳۵۲ش، *جنبه‌های رمان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال. ۱۳۸۵ش، *عناصر داستان*، تهران: انتشارات سخن.
- نجم، محمد یوسف. ۱۹۷۹م، *القصة فی الأدب العربی الحدیث*، بیروت: دار صادر.
- نجم، محمد یوسف. ۱۹۸۲م، *فن القصة*، الطبعة الخامسة، بیروت: دار الثقافة.
- واحد دوست، مهوش. ۱۳۸۹ش، *رویکردهای علمی به اسطوره شناسی*، تهران: انتشارات سروش.

مقالات

- احمد سلطانی، منیره و ارشد، معصومه. ۱۳۹۲ش، «بررسی و نقد عناصر عامیانه در ابومسلم‌نامه»، *مجله نقد ادبی*، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، شماره ۱۲، صص ۱-۱۷.
- بابازاده اقدم، عسگر و شکیب، محمود. ۱۳۹۰ش، «بررسی تطبیقی ابومسلم خراسانی جرجی زیدان و سیاه‌پوشان صنعتی‌زاده»، *مجله علمی پژوهشی انجمن زبان و ادب عربی*، شماره ۲۰، صص ۸۵-۱۰۶.
- پروینی، خلیل. ۱۳۸۱ش، «نگاهی به داستان و اجزای تشکیل دهنده آن»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، صص ۴۹۷-۵۱۶.
- جعفری قنواتی، محمد. ۱۳۸۵ش، «اجتماعیات در ابومسلم‌نامه»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، اردیبهشت و خرداد، شماره ۱۰۳، صص ۴۴-۴۷.

سعادت، اسماعیل. ۱۳۸۴ش، «ابومسلم نامه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۱۷۵-۱۷۶.

کرمی پور، حمید و خالقیان، مجید. ۱۳۹۳ش، «بررسی محتوایی روایت ابومسلم خراسانی»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره چهارم، صص ۴۳۷-۴۵۵.

Bibliography

- Baraheni, Reza; Narration (ghesse nevisi); First Printing, Tehran: Alborz Publications, 1989.
- Parsa Nasab, Mohammad; the theory and critique of Persian historical novel; Tehran: Nashr cheshmeh, 2010.
- Zydan, Gurji; Abu Muslem Al-khorāsani; Beirut: Dar sader, 1998.
- Al-Sawi, Mahmud; Georgi Zidan's Books; Beirut: Dar-al-hedayah Le al-nashr, 2000.
- Tarsusi, Abu Taher; Hamas of Abu Muslim Khorasani: Iqbal Yaghmaei, Tehran: Gothenberg Publishing.
- Al-Fakhoury, Hanna; The Complete History of Arabic Literature; 11: Publications of zavi al-Qorba, 1424.
- Farzad, Abdolhossein; About literary criticism; Tehran: The publication of the Ghatra, 1997.
- Al-Qaoud, Helmi Muhammad; Historical Narratives in Modern Literature; Desouq: Dar Al-elm and Al-iman Publishing, 2009.
- Mahjob, Mohammad Jafar; Popular Iran Literature; Tehran: Nashr cheshmeh, 1382.
- Al-Mahs, Mohammad Jawad; The Novels of Jurji Zeidan; Iskandarieh: Maktabat al-nahzah al-mesreyah, 2004.
- Morgan Forster, Edward; The Aspects of the Novel; Translated: Ebrahim Younesi. Tehran: Amir Kabir Publishing House, 1352.
- Mirsadeghi, Jamal; Elements of the story; Tehran: Sokhan Publication, 2006.
- Najm, Muhammad Yusef; The Story in Modern Arabic Literature; Beirut: Dar sader, 1979.
- Najm, Muhammad Yusef, The Art of Story; 5th Edition. Beirut: Culture House(dar al-thaghafah), 1982.
- Wahed doost, Mahvash; Approaches to Mythology; Tehran: Soroush Publication, 2010.

Articles

- Ahmad Sultani, Monireh and Arshad, Masoumeh; "Review and Criticism of Folk Elements in Abu Moslem Letter"; Literary Criticism, Azad University, Tehran Central Branch, No. 12, 1392; pp. 1-17.
- Babaazadeh Aghdam, Asgar and Shakib, Mahmoud; A Comparative Study of Abu Moslem Khorasani, Gurji Zydan and Seyahpooshan by Sanatizadeh; Journal of the Arabic Language and Literature Association, vol. 20, 2011; pp. 85-106.
- Parvini, Khalil; "A Look at the Story and Its Constituent Components;" Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, 2002; pp. 497-516.
- Jafari Ghanavati, Mohammad; "Social Sciences in Abu Muslim Letter"; Book of the Moon of Social Sciences, May 2006 and May 2006; No. 103-46; pp. 44-47.
- Saadat Ismail; "Abu Muslim Letter"; {in} Encyclopedia of Persian Language and Literature. 1. Tehran, Persian Language and Literature Academy, 2005; 175-176.

بررسی تطبیقی «ابومسلم‌نامه» ابوظاهر طرسوسی و «ابومسلم‌الخراسانی» جرجی زیدان / ۱۳۳

Karimpour, Hamid and Khaleghian, Majid; "A study on the content of the narrative of Abu Muslim Khorasani"; Specialized chapter on the stylistics of Persian discipline and prose, No. 4, 1393; pp. 437-455.